

پرفسور چارلز آدامس - کاندید (۱)

ترجمه : محمد حسین ساکت

دانشجوی دانشکده حقوق

نقش «شیخ طوسی» درد گرگونی و گسترش علم نظری حقوق، ورشیعه

در قالب اصلی و گسترده‌ی گفتاری که فراهم آوردم، دو نکته‌ی اساسی زیرین را
مورد بررسی و طرح، قرار دادم :

۱- نخستین نکته‌ای که مورد غفلت قرار گرفته است، اینست که : «شیخ طوسی»،

از دست دانشمندان باخترزمین، زیان دیده است .

تا آنجا که من می‌دانم، هیچگونه میزان و معیار کاملی، برای پژوهش و بررسی،

۱- «چارلز. جی. آدامس Charles J. Adams» در ۲۴ آوریل ۱۹۲۴ در شهر

«هاوستن Houston» از ایالت «تگزاس» آمریکامتولد شد .

تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود و «تگزاس» به پایان برد و تحصیلات دانشگاهی

بقیه پاورقی در صفحه بعد

پیرامون : زندگی و اثر «شیخ» به زبان غربی، وجود ندارد .

در حقیقت ، چه بسا مهمترین کتابهایی که مورد رجوع اند و نیز بزرگترین دانشمندان ، از اشاره به : تاریخ تولد، مرگ و شاید به فهرستی از آثار مهم او ، گامی فراتر ، بر نمی دارند .

بقیه پاورقی از صفحه قبل

را در دانشگاه «پیلرواکو»ی «تگزاس» به انجام رسانده و لیسانس در ادبیات شد .
تحصیلات عالی خود را در دانشگاه «شیکاگو» دنبال کرد و بسال ۱۹۵۴ به اخذ درجه دکتری در رشته «تاریخ ادیان» نایل آمد .
مقامات : استاد قسمت مذهب در دانشگاه «پرینستون Princeton» و اکنون استاد و رئیس مؤسسه عالی مطالعات اسلامی دانشگاه «مک گیل McGill» کانادا است .
تألیفات : «مقدمه ای بر ادیان بزرگ»

«A Reyder's guide to the Great religions»

و مقالات بی شمار دیگری که مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه «مک گیل» آن ها را به چاپ رسانده است .

مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا از مراکز مهم اسلام شناسی امریکا است . از آغاز تأسیس این مؤسسه یعنی سال ۱۹۵۲ احساس خلاء نسبت به مطالعات فلسفی و کلامی شیعی می شد تا آنکه در سال ۱۳۴۴ آقای دکتر مهدی محقق استاد دانشگاه تهران از طرف دانشگاه «مک گیل» دعوت شد تا بتدریس موضوعات فوق که تا آن وقت در آنجا سابقه نداشت بپردازد . دکتر محقق در سال اول بتدریس متون کلامی شیعه مانند شرح باب حادی عشر و انوار الملکوت علامه حلی پرداخت . این متون بزبان انگلیسی شرح و تفسیر می گردید و سپس دانشجویان رساله های فون لیسانس و دکتری درباره دانشمندان شیعه مانند طبرسی و علامه حلی و صدرالدین شیرازی

به نظر من ، مهمترین مطلبی که شناخته و دانسته شده است ، محدود به چهار چوب چهار یا پنج صفحه از کتاب : «دونالدسن Donaldson» است که بطور کلی ، پیراهون شیعه، نوشته است. بدینگونه، مهمترین شکاف و ژرفا، در کوشش دانشمندانی باختزمین - در این مسأله - همین است !.

بقیه پاورقی از صفحه قبل

انتخاب کردند و در سال دوم اصول فقه شیعه را از کتاب معالم الاصول تدریس کردند و دانشجویان آن دیار برای نخستین بار بود که با مبانی اصول فقه شیعه آشنا می شدند . در این سال مؤسسه اعتباری بمیزان سه هزار دلار برای خرید کتب شیعه اختصاص داد و منابع و مآخذ مهم در اختیار دانشجویان و استادان قرار گرفت .

از اقدامات مفیدی که در این زمان در آزمون سه صورت پذیرفت ترجمه امور عامه شرح منظومه سبزواری است که بوسیله آقای دکتر محقق و پروفیسور ژاپنی **ایزو تسو** انجام شد . و گذشته از این متن آن کتاب بوسیله ایشان تصحیح گردید و با مقدمه فارسی و انگلیسی در تهران چاپ شد و پس از مراجعت آقای دکتر محقق آقای «اچ شیخ مهدی حائری» به دانشگاه مک گیل اعزام شدند و اینک معظم له در آنجا بسر می برند. و دیگر آنکه در نتیجه توسعه مطالعات فلسفی و کلامی شیعی بنا به پیشنهاد آقای «ایزو تسو» و آقای «دکتر محقق» دانشگاه مک گیل شعبه خود را توسط مستر آدامس در تهران تأسیس کرد تا در آنجا آن مطالعات متمرکز گردد شعبه مؤسسه در دیماه ۱۳۴۷ افتتاح شد و نخستین ثمره آن یعنی متن **شرح منظومه** امسال از چاپ درآمد. این کتاب مجلد اول از سلسله «**دانش ایرانی**» است و گذشته از این، این شعبه مؤسسه بزودی مجموعه مقالاتی درباره فلسفه و کلام بنیاد نهایی انگلیسی و فرانسوی و آلمانی و عربی و فارسی منتشر خواهد کرد، و نیز «قبسات» **میرداماد** با مقدمه فارسی و آلمانی و انگلیسی در دو جلد ۷۰۰ صفحه ای بوسیله آقایان پروفیسور ایزو تسو و دکتر لندلت و دکتر موسوی بهبهانی و دکتر محقق در دست تهیه است که مجلدات دوم و سوم سلسله دانش ایرانی را تشکیل خواهد داد . (د)

غفلتی که این زیان را برای «شیخ طوسی»، به همراه آورده است تنها از بی - توجهی غریبان، نسبت به شیعه، برمی خیزد و خود روی هم رفته، نمودار و گوشه‌ای است از این حقیقت.

شاید به جز «اسماعیلیه» که پیرامون آن، بررسیها و پژوهشهای فراوانی انجام گرفته است، به حق توان گفت که شناخت و آگاهی غریبان، درباره‌ی شیعه - از «سنی» - به مراتب، کمتر است.

در حالی که موضوعاتی مانند: تاریخ «کلام» و «فقه» (حقوق)، درست به سبیل‌ی خاورشناسان باخترزمین، در یک رشته کتابهای بسیار خوب و عالی، بیان و شرح گردیده است؛ همانند این آثار درست نیست تا کسی را که می‌خواهد پیرامون شیعه، به پژوهش و مطالعه پردازد، یاری کند. همینگونه، بسیاری از نوشته‌های اساسی و مبانی «سنی»، به زبانهای اروپایی، برگردان شده است ولی نوشته‌های بسیار کمی از شیعه، مورد پژوهش و کاوش، قرار گرفته است.

از مطالبی که اکنون، در دسترس است: درک و برداشت بخردانه‌ی مفاهیم و تاریخ مذهبی شیعه، به تنهایی از منابع و سرچشمه‌های غربی، ممکن نیست. گمان می‌کنم که غفلت از «تشیع»، بیشتر از نادروستی روشی برمی‌خیزد که خاورشناسان، در استدلال خود، آنرا به کار برده‌اند.

دانشمندان، به اسلام، تنها از دیدگاهی یکسان و واحد که همگی عناصر زندگی و عرف و عمل آنرا به یکدیگر پیوند می‌دهند، نگاهی می‌کنند. آنچه بیرون از این طرح و نقشه بوده است، از دیدگاه، دورداشته‌اند.

این توجه و نگرش، این نتیجه را به همراه می‌آورد که اسلام را به عنوان یک شیء معین که کم و بیش، به دقت و باریکی، در چهارچوبی واحد، بیان شده است،

پنداشته‌اند و نیز آنرا به داشتن ساختمانی برپایه‌ی: عوامل ترکیبی که از سرشت اساسی خود، سرچشمه می‌گیرد، توصیف کرده‌اند.

این تحجرو خشکی، اسلام را به: ماهیتی بی‌جان تغییر ناپذیر، کاهش می‌دهد و آنرا بدینگونه، می‌نمایاند.

گذشته از این، اسلام را به طور کلی، «تسنن» تشخیص می‌دهد و اسلام را تنها همین می‌داند و بس.

این روش، حتی در مطالعات اینان، در باره‌ی «تسنن» بسیار ناقص است؛ تاچه رسد به اخبار و احادیث شیعه - که در علوم نظری از «تسنن» پرمایه‌تر و بی‌نیازتر است. اینجا است که باید بر این شیوه و روش خندید!

۲- دومین نکته‌ای که می‌خواهم بیان دارم، خود، گواه و سندی است بر سخن بالا- یعنی همان «غفلت».

پس از رسیدگی و پژوهش، معتقد شده‌ام که: «طوسی» در تشکیل نظریه‌ی: «اصول فقه» شیعه، نقشی پیشرو و پیشاهنگ بازی کرده است - به همان گسترش و اهمیت نقش «شافعی»، در میان اهل «تسنن».

«طوسی» - همراه با «سید مرتضی» - برای اینکه اندیشه‌ی حقوقی شیعه را به رهگذری نوین و پیشرفته‌تر به جریان اندازد، نقش این کار را بر عهده گرفت.

در روزگار او، مایه‌های فراوانی، با مفاهیم حقوقی (فقهی)، از نسلهای پیشین، وجود داشت؛ ولی مسایلی گوناگون و مورد اختلاف که سازمان نیافته، همچنان، به جای، مانده بودند. «سید مرتضی» و «طوسی» هر دو ادعا می‌کنند که نخستین کسانی‌اند

که این کار را انجام داده اند و در راه «تنظیم» مطالبی که تا اندازدای جنبه‌ی حقوقی، داشته است، بایرون کشیدن و استنباط يك رشته اصول روشن و سازمان یافته، کوشش کرده اند.

بر پایه‌ی این اصول، این دو اندیشمند، پیکره‌ی حقوقی را که به درخواست و آرمان، انجام یافت، به صورت روشی جامع و یگانه، پی‌ریزی کردند. آن دو خواسته و نشانه، عبارت بود از:

- ۱- آماده ساختن ابزارهایی، جهت یافتن قواعد مسلم حقوقی.
 - ۲- آوردن دلیل عقلی و بدان منظور، ایجاد «حجیت»، برای همه‌ی آنها.
- به خوبی می‌دانم که بسیاری از دیگر نویسندگان «امامیه» پیش از «سید مرتضی» و «طوسی» در باره‌ی مسایل حقوقی و فقهی، نوشته بودند. این بی‌همانندی‌ای که من، برای «طوسی»، مدعی هستم، برای آنست که: نخستین کسی بوده است که يك سازمان دقیق و روش یافته‌ای از احادیث و اخبار فقهی کامل شیعه، علاقمند بوده است.

به دقیقترین مفهوم واژه، او يك مغز اندیشمند حقوقی بود و بدینجهت، از کسانی پیش از او، این راه را رفته بودند، فرق داشت و جدا می‌نمود.

تنها سخنی که می‌ماند اینست که: چرا روی آوردن، به «اصول فقه»، - در شیعه - چنان، دیر هنگام، نمودار می‌گردد؟ در «تسنن»، نظریه‌ی پاك و بررسی شده‌ی «اصول فقه»، درست از دو بیست سال، پیش از اینکه «طوسی»: «عدة الاصول» و «سید مرتضی»: «ذریعة»ی خود را به رشتندی نگارش درآورد، وجود داشت.

اگر بخواهیم دلیل این درنگ را جستجو کنیم، نیازی به راهی دور و ناهموار، نداریم. شیعه، خود را به: «اصول فقه» علاقمند و وابسته، نشان نداد، زیرا تا

امامان و پیشوایان، در میان جامعه، حاضر و زنده بودند، نیازی به یاری گرفتن از: فنون حقوقی استادانه‌ای که اندیشه و اختراع انسان، آنرا به همراه می‌آورد، نداشت. این حالت، باغیبت دوازدهمین «امام»، دیگرگون شد.

این بار، اجتماع، مجبور بود برای یافتن دیگر ابزار راهنمایی و هدایت و همچنین چاره‌جویی و حل مسایل و دشواریهای آن، راهی، پیدا کند.

احساس این بحران، حتی به خاطر: نبودن آب و هوای مساعد، برای پرورش یافتن اندیشمندان شیعه - در بغداد - و آمدن: «طغرل بیگ» و «سلجوقیان»، بیشتر و عمیق‌تر، نمودار گردید.

نیاز به: راههای معتبر و قابل اعتماد، جهت درمان زحل مسائل و دشواریهای جامعه - به هنگام غیبت «امام» - خود، انگیزه‌ی اساسی کشش «طوسی»، برای سازمان دادن و به قالب درآوردن دانش نظری: «اصول فقه»، به‌شمار می‌آید.